

سرشناسه	: بهادری، محمدباقر، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	: شکم‌بندگی در ظرف خوشمزگی (لطیفه‌های شکم) / محمدباقر بهادری.
مشخصات نشر	: تبریز: مرتضی دشت، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۸۸-۰-۸
ضعیف فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: لطیفه‌های شکم.
موضوع	: شکم‌پرستی -- لطایف و حکایات.
موضوع	: شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های فارسی -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ل ۶ ۸۷ ب / PIR۴۳۲۷
رده‌بندی دی‌سی	: ۸۵۸/۲۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۳۴۰۸۷۰۶



شکم‌بندگی در ظرف خوشمزگی (لطیفه‌های شکم)

تألیف:	دکتر محمدباقر بهادری
ناشر:	انتشارات مرتضی دشت
تاریخ و نوبت چاپ:	بهار ۱۳۹۳ - اول
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
شابک:	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۴۳۸۸ - ۰ - ۸
قیمت:	۱۰۰۰۰۰/- ریال
چاپ و صحافی:	پیشگام

کلیه حقوق اثر مزبور برای مولف و ناشر محفوظ است.

نشانی: تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - خیابان دانشگاه - تلفاکس: ۳۳۶۲۴۷۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۴۵	ای احمق	۱	مقدمه
۴۵	کلرچه	۵	فصل اول
۴۶	نوکرها	۶	شکم چرانی
۴۶	تشکر	۱۴	فصل دوم
۴۶	فقط یک بار	۲۶	امنال و حکم
۴۶	عیب کار	۲۷	شک
۴۶	مرد شریف	۲۷	خوردن
۴۶	سیب	۲۸	ناله
۴۷	چه اتفاقی	۲۹	سیر
۴۷	آدامس خروس نشان	۳۲	گرسنه
۴۷	چرا نمی خوری	۳۳	فصل سوم
۴۷	فرب گربه	۳۴	لطفه
۴۷	دستور پخت	۳۴	نوشابه
۴۸	لقمه انتقام	۴۳	رزق حلال
۴۸	آداب انگور خوردن	۴۳	بخورم یا نخورم
۴۸	مال پرستی عاقبت وخیم دارد	۴۳	خاصیت زردآلو
۴۹	وقت دقیق صرف طعام	۴۳	دریا
۴۹	خسب را ببند	۴۳	لوبیاهای نرم
۴۹	مغشها	۴۳	شام
۴۹	لعن خداوند	۴۳	دوغ
۴۹	ما با وی چه کنیم	۴۳	آبگوشت ماکارونی
۵۰	اما تنها خوشترک	۴۳	عروس و داماد پلاستیکی
۵۰	هلو	۴۳	کره
۵۰	بگو مرغ	۴۳	غذا
۵۰	مهمان نوازی	۴۴	نوشابه
۵۱	غصه آش	۴۵	معما
۵۱	طباقت میزبان	۴۵	ضد عفونی
۵۱	من خمر هستم	۴۵	لطفاً یکی دیگر
۵۲	پاداش کتاب	۴۵	

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۷	هویج دارید؟	۵۲	اگر ناختنود...
۵۷	صدای گاو	۵۲	تقویت
۵۸	خیار دیگران	۵۳	آن قدر...
۵۸	چیز نازه	۵۳	گلایی
۵۸	کلفتی شیر برنج	۵۳	گرسن
۵۸	مرد منطقی	۵۳	سافر گرسنه
۵۸	جوان هیبی	۵۳	صدای سگ
۵۹	تق تق گردوها	۵۳	ساعت شکم
۵۹	فالوه اگر...	۵۳	به بالا بلند
۵۹	حال رفیق	۵۳	با دانه یا بی دانه
۵۹	شکمش را بدرم	۵۴	به نیابت
۵۹	آشپز باوقار	۵۴	فراموشی
۵۹	کودک با فراست	۵۴	دستورالعمل
۶۰	موش فریکار	۵۴	شکموای حسابگر
۶۰	بچه معترض	۵۵	چلو کباب
۶۰	درد سیری	۵۵	کاسپها
۶۰	نتیجه سمع	۵۵	حافظه
۶۰	کرشانه سم	۵۵	هندوانه خوب
۶۱	خورا فرعون	۵۵	سادگی خریدار
۶۱	ایثار غم	۵۵	مهمان عید
۶۱	پول کم و ارزش زیاد	۵۵	جواب جامع
۶۲	مهمان آواز خوان	۵۶	مهمان شکمو
۶۲	لقمه گلوگیر	۵۶	مزاحم تلفنی
۶۲	چایی خوردم...	۵۶	خرید میوه
۶۳	بلبل زردآلو خور	۵۶	کره و پنیر
۶۴	مرد حشیشی	۵۶	غذای سحر
۶۴	ناصرالدین شاه...	۵۶	نوشابه
۶۵	سیره بزرگان	۵۷	مفت خورها
۶۵	درسی آسمانی	۵۷	خرید
۷۰	راهنمایی زیرکانه	۵۷	آب میوه

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۸۰	بلعیدن اجسام	۷۰	ترحم به بچه گریه
۸۰	زنبور غسل	۷۰	اخراج از کار
۸۱	بچه خوب	۷۰	پاکی شکم
۸۱	با مهمان...	۷۱	انگور بدطعم
۸۱	محل ناسزا	۷۱	چون معده است
۸۱	در رستوران	۷۱	در آبادی ما...
۸۱	خرگوش در رستوران	۷۱	در چنین خانه...
۸۲	بی نیازی	۷۲	بسیار...
۸۲	در صبح مستی	۷۲	درد بیداری
۸۲	میلیونی که...	۷۲	خواهید...
۸۲	تصمیم جدی	۷۲	خواستار خیل
۸۳	غذای مرغ	۷۳	مهمان شدن شما
۸۳	تابلوی مهمانخانه	۷۳	قاضی طماع
۸۳	غذای گران	۷۴	کیاب از گوشت انسان
۸۳	آزمایش	۷۴	الاهی که ...
۸۳	چه خیالی دارید؟	۷۴	چگونه ...
۸۴	کمتر یا هیچ	۷۴	ماجرای کشیش ...
۸۴	صیبت درویش	۷۵	طمع
۸۴	دستستان	۷۶	سبب بیداری
۸۴	غذای بی...	۷۶	چه شد که...
۸۴	بی کلک...	۷۶	چنین کنند...
۸۵	خست	۷۸	مثل شیلوکیاب
۸۵	به همین دلیل	۷۸	قهرمان پر خوری
۸۵	حاکم منتظر	۷۸	بیمار چاق
۸۶	خود و نخود	۷۹	علت سرعت
۸۶	اثر کبوتر	۷۹	میمون محتاط
۸۶	دو خطا	۷۹	پیری
۸۶	پولدار خمیس	۸۰	خواب خوش
۸۷	مغازه داران با ذوق	۸۰	چاقی طبیعی
۸۷	جان عزیز است	۸۰	زندگی سگی

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۹۳	دلیل مستانه	۸۷	پشگل شتر
۹۳	دلیل مست	۸۷	طیپ خوش اشتها
۹۴	فقیر پیشرفته	۸۸	ماجرای ماهی
۹۴	بچه شکمو	۸۸	قافله غین
۹۴	مهمانی تلخ	۸۸	مرغ بریان
۹۴	مادر خونسرد	۸۸	ضمانت
۹۴	مهمانان بی ملاحظه	۸۸	شراب تلخ
۹۵	حیله کارساز	۸۹	ضیافت سه رو
۹۵	مثل گاو	۸۹	گفتار حضرت مسیح
۹۵	حقیقت	۸۹	زیرکی کشیش
۹۵	سوسک	۸۹	دلیل کافی
۹۵	کلفت زیرک	۹۰	صورت حساب
۹۶	استاد دانشگاه	۹۰	مسموم
۹۶	علت مهربانی	۹۰	تعارفات عاشقانه
۹۶	شیاط	۹۰	انیشتین
۹۶	دزد شکمو	۹۰	میوه فروش
۹۷	نوکر حرف شنو	۹۰	دوستان مستان
۹۷	یک جفت کفش	۹۱	ارزش سبیل
۹۷	عشق سکسک	۹۱	گدای ماهر
۹۷	بیشتر ناله	۹۱	بد حسابی
۹۷	عبادت از نظر سکسک	۹۱	مواظب باشید
۹۷	سبیل الله	۹۱	سؤال
۹۷	حرف حساب	۹۲	قیمت شهرت
۹۸	قدرت تخم مرغ	۹۲	بی صبری مشتری
۹۸	در رستوران	۹۲	آمریکایی مآب
۹۸	در رستوران	۹۲	بهترین شعر
۹۸	دامستان مستان	۹۲	خورش اسفناج
۹۸	مرگ به خاطر کباب	۹۳	مرغ و زاندارمها
۹۹	آهنگ کباب	۹۳	خوراک میخ
۹۹	پشیمانی از مهمانی دادن	۹۳	ویسکی اصل

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۰۹	فرب دادنشیطان	۹۹	نقشه باری تصاحب غذا
۱۱۱	غذای سفارشی	۱۰۰	خوش غذا
۱۱۱	داغ مرغ بریان	۱۰۰	صیاد دماغ سوخته
۱۱۲	روباه حلال	۱۰۰	هنوز مسلمان نشده ام
۱۱۲	خوردن حمام	۱۰۰	لک لک دماغ سوخته
۱۱۲	فلسفه بافی برای شیر	۱۰۱	تعارف دروغ
۱۱۳	سؤال ناشیانه	۱۰۱	خوردن بی اثر
۱۱۳	اعتراض کودکانه	۱۰۱	خوردن بی اثر
۱۱۳	غذای مفید و مضر	۱۰۱	گریه کسان
۱۱۳	مگس گرد شیرینی	۱۰۱	گریه کسان
۱۱۳	دزد شاکر	۱۰۲	غذای در دهان
۱۱۴	راه وصول طلب	۱۰۲	در خدمت غذا
۱۱۴	فرق انسان با حیوان	۱۰۲	رفتگی شادی
۱۱۵	مهمان دروغگو	۱۰۲	خدمت به شکم
۱۱۶	بی صبری برای شکم	۱۰۲	قیمت غذا
۱۱۶	جواب حسابی	۱۰۳	سیر گرسنه
۱۱۶	نام آبگوشت	۱۰۳	فرب رفیق
۱۱۶	جواب طمعکار	۱۰۳	شیره بی مزه
۱۱۶	غذای بی موقع	۱۰۳	مستی لات
۱۱۷	عجب طمع	۱۰۳	مشتی صرف خوان
۱۱۷	غریب گرسنگ	۱۰۳	مهمان پرتوقع
۱۱۷	گاو سرش را با دهان	۱۰۳	غذای شگفت انگیز
۱۱۸	مردن نه، کشته شدن	۱۰۴	کله پاچه ارزان
۱۱۸	شادی شکمو	۱۰۴	قهر داماد
۱۱۸	بزرگی و لذت	۱۰۴	غذا و تنبلی
۱۱۸	چیزی که عوض...	۱۰۷	مجلس تلحیم
۱۱۹	مژدگانی	۱۰۷	حیله گرسنه
۱۱۹	ناسازگاری	۱۰۷	مهمان ناراضی
۱۱۹	موقع مناسب	۱۰۸	مهمان زیرک
۱۱۹	روباه بیکار	۱۰۸	کوفته عروس خودپسند

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۳۳	شکیم گرسنه	۱۱۹	به سگ مراجعه کنید
۱۳۴	شکم رنج آور است	۱۲۰	خدمتکار خوش شانس
۱۳۴	ازباب شکم پرور	۱۲۰	بقال خوش اشتها
۱۳۴	نتیجه شکم گندگی	۱۲۰	نیمه نجات بخش
۱۳۴	چوپان....	۱۲۱	دستمال نابجا
۱۳۸	طمع باور نکردنی	۱۲۱	کدای نانچیب
۱۳۹	فن گدایی	۱۲۱	سفارش به...
۱۳۹	حفظ اشعار مربوط به شکم	۱۲۱	مسلمان و یهود
۱۴۰	عجب اشتباهی	۱۲۱	عاقبت شکم...
۱۴۰	طماع سنگدل	۱۲۲	تقسیم غذا
۱۴۰	مرگ طمعکار	۱۲۲	مهمان فرصت طلب
۱۴۲	مهمان ریاکار	۱۲۳	معلم شکم پرست
۱۴۳	پر خوری	۱۲۴	کتک خوردن...
۱۴۳	گرسنه بی صبر	۱۲۴	مرده حلوا خور
۱۴۳	مهمان با بالای جان	۱۲۵	مدح و ذم پتیر
۱۴۷	مهمان بیشم	۱۲۶	مرد به اصطلاح حلال خور
۱۴۷	هرکس شایسته...	۱۲۶	نان و نمک
۱۴۸	مهمانی دو بخش	۱۲۸	جواب کردن مهمان
۱۴۸	عذر دهنده چه...	۱۲۹	میزبان فریبکار
۱۴۸	حرف حساب	۱۲۹	پدر لثیم
۱۴۸	همه برادریم	۱۲۹	بهلول ...
۱۴۹	به به اشتها را	۱۳۱	اثر طعام و شراب
۱۴۹	بخیل و پنهان کردن انبار	۱۳۲	تنهادرایی
۱۵۱	شکم پرور بد باور	۱۳۲	گرسنگی و ادعای پیغمبری
۱۵۱	اعتصاب غذای الاغها	۱۳۲	حیله برای غذا خوردن
۱۵۱	غذای دلربا	۱۳۲	نفرین به خاطر شکم
۱۵۳	کدام غذا؟	۱۳۳	غذای اشتباهی
۱۵۳	کیست	۱۳۳	معامله زیان آور
۱۵۳	دوست خوب	۱۳۳	جواب بخیل شکم پرست
۱۵۳	زمان خوشحالی	۱۳۳	جور شکم

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۶۶	دهنه	۱۵۳	مهمان حریص
۱۶۶	میز خالی	۱۵۳	حج مقبول
۱۶۶	بخیل و دوست من	۱۵۴	فاصلی درمانده
۱۶۶	خرس و دزد	۱۵۴	عامل دوستی
۱۶۷	بخیل حاذق	۱۵۴	مهمان ناخوانده
۱۶۸	شجاعترین مردم	۱۵۴	همسفران حيله کار
۱۶۸	صبورترین مردم	۱۵۴	خدمت به شکم ...
۱۶۸	دیوانه شکم	۱۵۵	کارهای سخت
۱۶۸	نقشه برای روغن حلوا	۱۵۵	درخواست روغن
۱۶۹	شکم پرور حراف	۱۵۵	مهمان دمه
۱۷۰	حلوی بدمزه	۱۵۶	فایده شکم
۱۷۰	سیرابی نپخته	۱۵۶	هم غذا
۱۷۰	زندانی شکمو	۱۵۷	غذای حیوانات
۱۷۱	نه خانی آمده و نه خانی رفته	۱۵۷	فلسفه یاقی
۱۷۱	هر چه کنی به خود کنی	۱۵۷	دنبه بی چربی
۱۷۲	غذای ارباب	۱۵۷	مهمانی ملانصرالدین
۱۷۳	تقاضای درویش	۱۵۸	صاحبخانه خسیس
۱۷۳	خواجگ خسیس	۱۵۸	گربه پراشتها
۱۷۳	تقاضای درویش	۱۵۸	هردوانه
۱۷۳	درویش پر خشم	۱۵۸	جریمه کامل
۱۷۳	مهمان پر خور	۱۵۸	شکمو قاتل
۱۷۵	حيله روباه	۱۵۹	مسلمان حلوی یهود و نصرانی
۱۷۷	بهانه پیرمرد	۱۶۰	روباه در راه شکم دمش...
۱۷۷	کیک	۱۶۱	کور حقیقی
۱۷۷	علت راحنی	۱۶۳	خوردن بهتر از درد کشیدن
۱۷۷	جواب حسابی	۱۶۳	عمل به احتیاط
۱۷۷	دروغگوی	۱۶۳	دروغ به خاطر شکم
۱۷۷	مصاحبه	۱۶۴	فرجام دوستی شکم
۱۷۷	نشانه مستی	۱۶۴	امروز نقد فردا نسیه
۱۷۸	شکم قاتل صاحب خود	۱۶۶	ادای قرض

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۸۵	آشپزباشی	۱۷۸	نان سوخته
۱۸۵	غذای لذیذ	۱۷۸	ناهار قبل از دعا
۱۸۵	مدیر مهمانخانه	۱۷۸	دست پخت مادر زن
۱۸۶	قال قهوه	۱۷۸	صلت عصائیت سگ
۱۸۶	سؤال معلم	۱۷۹	فاصله
۱۸۶	پزشک معناد	۱۷۹	غذای رادیویی
۱۸۶	بدسلیقه	۱۷۹	اشتهای باز
۱۸۶	دلیل خوردن قهوه	۱۷۹	غذای بهداشتی
۱۸۶	غذای کهنه	۱۷۹	عشق و ناهار
۱۸۶	پر خوری	۱۸۰	گوشت سفت
۱۸۷	شکارچیها	۱۸۰	خوراک گاو
۱۸۷	خانم بهداشتی	۱۸۰	آشپزی ممنوع
۱۸۷	راهنمایی درست	۱۸۰	چای یا قهوه
۱۸۷	دگمه بقمه		سر سبز
۱۸۷	عالم مستی	۱۸۱	آشپزی جدید
۱۸۸	جواهر غذای سگ	۱۸۱	مرغ یک پا
۱۸۸	پزشک و سر	۱۸۱	سیر و گرسنه
۱۸۸	آشنای قبل	۱۸۱	جواب قانع کننده
۱۸۸	صبر امری نابی	۱۸۱	پدر قانع
۱۸۹	عذر موجه	۱۸۲	مهمان مزاحم
۱۸۹	آخرین غذا	۱۸۲	گدای عاقل
۱۸۹	کلفت دهاتی	۱۸۳	خودکشی عاقلانه
۱۸۹	پول برای غذا	۱۸۴	مرغ بریان
۱۹۰	ارزش غذا	۲۲۴	طبيب حاذق
۱۹۰	در عالم مستی	۱۸۴	اشتباه در غذا خوری
۱۹۰	غذای بد	۱۸۴	بی پولی
۱۹۰	معالجه	۱۸۴	زن خانه دار
۱۹۰	پروفسورها	۱۸۴	محاسن پرتی
۱۹۰	شراب به جای آب	۱۸۵	برای خدا
۱۹۱	جواب طلبکار	۱۸۵	غذای مریض

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۰۶	آغاز کردن با سبکترین غذا	۱۹۱	ولخرجی یهودیها
۲۰۶	خوردن غذای گرم...	۱۹۱	به اندازه خرمی خورد
۲۰۶	برداشتن لقمه های کوچک...	۱۹۲	مشتی بی پول
۲۰۷	دست کشیدن	۱۹۲	قدری و دکا بدهید
۲۰۷	دست کشیدن برچهره...	۱۹۳	رستوران
۲۰۷	به پشت دراز کشیدن...	۱۹۳	ماجرای استاد دانشگاه
۲۰۷	پرهیز از زیاد خوردن	۱۹۳	بیسکویت مادر
۲۰۷	پرهیز از دمیدن...	۱۹۳	نظارت بر مگر
۲۰۷	پرهیز از غذا خوردن...	۱۹۵	چند توصیه غذایی
۲۰۷	پرهیز از خوردن...	۱۹۶	نکات مهم خوراک مضرات پر خوری
۲۰۷	پرهیز از خوردن ...	۱۹۸	مهمترین غذاهای
۲۰۸	پرهیز از غذا خوردن...	۱۹۹	درسهای مگر
۲۰۸	پرهیز از خفتن...	۲۰۵	چند حدیث درباره
۲۰۸	نیت پاک	۲۰۵	شستن دستها
۲۰۸	حلال خوری	۲۰۵	گذاشتن سبزی
۲۰۹	منتظر ننشستن...	۲۰۵	درآوردن کفشها
۲۰۹	تنهایی غذا نخوردن	۲۰۵	برزیان آوردن نام خدا
۲۱۰	فهرست منابع	۲۰۶	خوردن با دست راست
		۲۰۶	آغاز کردن غذا با نمک
		۲۰۶	خوردن غذا...

مقدمه

به چه کار آیدت ز گل طبعی از گلستان من بیر ورقی
گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد
«سعدی»

در این کتاب، سخن از شکم و دردسرهای آن است و سخن از آثار زشت بندگی شکم در جامعه و زبانهای آن. سخن از انسانهایی است که به این صفت نکوهیده متصفند و در چند المیزان آگین آن اسیرند؛ آنانکه دایم در تلاشند، از هر راهی که باشد، بپندوزند و در محنت و عبودیت شکم و خواسته‌های آن باشند. آنانکه زندگی می‌کنند تا بخورند، نه اینکه این می‌خورند تا زندگی کنند؛ سخن از مسرفانی است که خود می‌خورند و غیر می‌پوش؛ اسیر می‌کنند و اتفاق و اطعام نمی‌ورزند و چون کرکسان مرده خوار، از استلائی بیار شکم و صابون زدن و چرب کردن مدام آن، گوشت نو بالا می‌آورند و مصداق مثل شکم بد، کمتر پرستد خدای می‌شوند؛ سخن از ممسکان و تنگ دیدگانی است که نه خود می‌خورند نه غیر را متنعم می‌سازند، بلکه بر این باورند که: «مال خودم، مال خودم و مال مرد هم مال خودم».

سخن از ظریفان و فصیحان شیرین سخن و حاضر گفتاری است که در کنار خوان طعام، از سر ذوق و قریحه، لطایف دلنشین و حکایات نازنین می‌آفرینند و بر حلاوت و ملاحات مجلس و بشاشت و بساطت مجلسیان می‌افزینند و در رودخانه جاری زمان برای صفای دلها و شادابی جانها به جریان می‌اندازند. سخن از محبت، آن حبیب خدا و سفیر الفت و صمیمت و مهربانی و مهربانی است. آنانکه از آن دو گیاه و فرسودگیها می‌زداید و سینه از تیرگیها و کدورتها می‌سترد؛ سخن از مهمانی است که زیبای الهی و رسم پسندیده اجتماعی است: رسمی که انسانها را به هم می‌پوندد و دورترین یکی و همدلی و همزیگی به وجود می‌آورد و اخلاق دستگیری و همیاری و فرهنگ دردمندی و درد آشنایی را می‌گسترده؛

سخن از سیری، آن زینت زیبا و راحت زندگی است. آنچه مشکلات و رنجها را برد و شادابی و شهرت و احترام می‌آورد و آمال و آرزوها را روا و آلام و آزارها را دوا می‌بخشد؛

سخن از سیران، آن خوش روزگاران و پرکیسگانی است که از زخم چرکین ناداری و درد سنگین بدهکاری بی‌خبرند و طعن کوبنده زرداران و لعن کشنده طلبکاران را

نمی‌شنوند؛ با سلیلی صورتشان سرخ نمی‌شود و خویش و غریب از اطرافشان نمی‌روند. آنچه می‌خواهند می‌خورند و آنچه می‌بینند می‌خرند؛ با سازجائواز سیم و زر می‌خوابند و با نسیم دلارای غنا بیدار می‌شوند؛ در زمین سیر می‌کنند و در آسمان پرواز؛ دنیاها می‌بینند و لذتها می‌چشند و تجربه‌ها می‌آموزند و کامها می‌یابند؛ دم می‌گیرند و غم می‌سوزند و خنده می‌خرند و گریه سر می‌برند؛

سخن از فقر، آن دیو زشت چهره کفرآور و هیولای بدمنظر رنج‌آور است. آنچه خوبها را زشت و هنرها را عیب می‌سازد؛ دلها را گریان، اشکها را ریزان، جانها را سوزان، خانه‌ها را ویران، پیروزیها را شکست، شادبها را اندوه، عزتها را خفت، ترقیها را آزار و نسیانها را رذیلت می‌کند؛

سخن از فقران و مستمندان و جویندگان لقمه نانی در کوچه پس کوچه‌های اغیار است. آنکه پیوسته می‌کوشند و در جث و جوشند تا نانی که به کف آرند و حیاتی یابند و به حرفه‌های کدیمیشان، کفاف سیری شکمشان را نمی‌کند؛ سخن از آن موجود رنج‌کشیده و غمدیده و آن مخلوقات سختکوش و زهرنوش است؛ آنکه خویش نمی‌داند، غریبان واقعی نمی‌تهد و در منظر کسان فرو رفته در باتلاق متعفن دنیا زدگی و شکر بندگی، کمالاتشان نقص، خدمتشان وظیفه، سلامشان طمع، کلامشان قسانه، سکوتشان حیل و باورشان خرافه، نگاهشان جرم، علمشان جهل، وفایشان جفا، صفایشان خطا، حلمشان رفس، مهرشان کینه، صدقشان کذب، صداقتشان خیانت، سعادتشان شقاوت، یقینشان شک، تأییدشان تکذیب، دواشان درد، مدحشان ذم، نفعشان ضرر، کامشان ناکامی، ایمانشان کفر، عدلشان جور، شادیشان غم، صعودشان سقوط، قیامشان قعود، مردیشان سردی، آگاهشان ناآگاهی، هوشیارشان غفلت، حرکتشان سکون، فخرشان عار، بودشان نبود، خدمتشان تأخر و همه خوبهایشان بدی محسوب می‌شود. آنکه در زیر بارکاستیها و سختیهای زندگی نمی‌دانند و مواهب پیشمار زمین و آسمان نمی‌بینند؛

سخن از گدایانی است که از کسالت و یا رذالت و شاید عادت و خصلت، فنون نکدی آموخته و حرفه‌گدایی پیشه ساخته‌اند و از بام تا شام با کاسه‌ای در دست و برزن و میدان و بازار پرسیه می‌زنند و برخی رفع نیاز می‌کنند و اما عده‌ای می‌دزدند و بزه می‌پراکنند و تخم فساد می‌نشانند؛

سخن از لطیفه‌آن هنرکلام دلنشین و فرح افزا گفتن و سخن هنرمندانه و اثر گذارانه

آوردن است. سخنی که بسان نمک در طعام است؛ چون سخن بی‌لطفی، دلازار و رنج افزا و خستگی‌زاست. لطفی دل می‌گشاید و فرح و انبساط خاطر می‌آورد و عبوس می‌زداید؛ به سخن تأثیر می‌بخشد و به گوش رغبت. لطفی حجت و دلیل اثبات سخن، ابراز و وسیله مقبولیت کلام و سیم رابط پیام‌رسانی است. کسی که لطفی می‌گوید، در محبت، وزنه تأثیر سخن می‌جوید و به ارسال بهتر و زودتر پیام خود می‌کوشد و به پذیرش مخاطب می‌اندیشد. پس لطفی لغو‌گویی و بیهوده‌سرای نیست. بوج گفتاری و است‌گویی خنده‌آور غیر از این است.

اگر در این مختصر اطایف گوناگون فراهم آمده است، برای خنداندن محض نیست، بلکه تأمل در واقعیه‌های اجتماعی است، که هر کس به نوعی، با این وقایع روبه‌رو و درگیر است. اگر در این مختصر، بخیلی، از خوردن و اطعام پرهیز می‌کند و یا دهل شکمی به خوردن می‌زند و بر سروری می‌کند و یا گدایی، لقمه‌ای می‌خواهد. همه مصادیق واقعیه‌های عینی جامعه است که باید به عنوان ناهنجاریهای اجتماعی و رفتاری بدانها توجه شود. همچنین اگر شخص‌های ناهنجار، رفتارهای زن و شوهر را شامل می‌شود، یا همسایه و آشنایی را در برمی‌گیرد. به قشری از اقشار جامعه مربوط می‌گردد، نمی‌تواند تنها به کلام خنده‌ناک اکتفا شود و از پیام و مصادیق خالی باشد. پس در لطفی‌ها باید واقعیه‌های اجتماعی را به لحاظ محدود توان بدانها اندیشید و چاره‌گری کرد. از این رو این کتاب هم، که با صریح زحمت و زحمت، فراهم شده است، حامل پیامهای متعدد و ارزشمندی است که در میان سطر و صفحات آن و در لایه لای مطالب آمده است. این کتاب مشتمل بر سه فصل است که فصل اول را، نکوهش شکم چرانی و فلسفه خوردن، فصل دوم را پاره‌ای از امثال حکم مربوط به برخی از موضوعات کتاب و فصل سوم کتاب را لطفی‌ها تشکیل داده است که به تفرخ و محال و اقتضای مقال و با رعایت اختصار، مطالبی هم در پاورقی برخی لطفی‌ها درج شده است.

در پایان برخود فرض می‌دانم، از همه دوستانی که در تدوین و طبع و نشر این مجرعه یاریگر اینجانب بوده‌اند و نیز از خانم احدی تاپ کنندۀ تیزدست تشکر کنم و درودان دوست سینه فراخ و گشاد دستم حاج محمد فدایی اقدم باشم که چون خاک خوری این سطور و دیگر نوشته‌ها و کتابهایم را دیدند، زبان گشودند که ایها الرفیق! بسه

کدامین گناه این خطوط و اوراق به کنج غربت و سجن عزلت افتاده اند و دور از چشم بنی بشر در غم بی سروسامانی می پوسند و این گونه در آتش بلا تکلیفی می سوزند؟ لذا رغبت افزودند و فرمودند: چایشان کن که شاید روزی پریشان روزگاری با صفحات این کتاب دمخور شود و برغم وآلام و دل نالانش تبسمی کند و لبخندکی زند و بگوید گور پدر غصه ها و بیهوده پوسیدگیها! و یا شیر جوانی بخواند و بداند که چه باید خورد و چرا خورد و چگونه خورد و دریابد که پر خوری آفت است و بیماری؛ درد است و خانه ویرانی؛ حرام خواری عاقبت ندارد و لقمه ناپاک نفمت زاست و یا متمولی نکته ای گیرد و بر خود نهیب زند که ای سیر شکم غافل و ای پولدار خفته! کجایی و عمر کدورت چاه بیدردی اسیری که نمی بینی هموعان نیازمند و بیماران شکسته و از افتادن خسته چه رنجدارند و چه غمبارا و یا سخنوری و اهل منبری و آموزگاری با این سطح در مدرسه شود و مطلبی یابد و چیزیکی آموزد و در پرورش و ارشاد جوانان و مجلسیان اندرین گوید: دل افروزد و روشنگری کند و یا پیرمردی و پیرزنی روشن ضمیر با نوه ها و نوه ها و نوه ها و نوه ها و نوه ها سفره دل دادن و قلوه ستادن گشاید و از این نوشته لطیفه ای خوب و بیزانش را بخنداند و از شادی و قهقهه آنها خود نیز بخندد و بر خاک بی مقدار ما بجایی استند و خدا بیامری گوید و یا ... و یا ...

از این رو خاکشان زدودم و رخشان به زیور طبع آراستم و این عروسان همیشه زیبا و طناز و دلربا را بر کجاوه کوچ رساندم و بر محفل و حجله داماد نشر رساندم. این است که پیشاپیش از نکته سنجان و اندیشه داران که از راهنماییهای شایسته و ارشادات ارزنده خود، برای رفع اشتباهات و کاستیهای این استمرار بی بهره مان نخواهند گذاشت، تقدیر و تشکر می کنم. دلتان شاد و لبانتان خندان.